

به هر نحوی کوشیده‌ام تا در ایران زندگی کنم، اما موفق نشدم. پیرامون خود مردمی را دیدم که جز زندگی برای هیچ کار دیگری نمی‌کوشیدند، آنان با خطرهای دست و پنجه نرم می‌کردند و اگر این خطرهای جدی بود، اوضاع هم خوب به نظر می‌رسید. مثل من، آنان نیز از راه‌های طولانی کوهستانی و شب‌ها از ساحل‌های آب گرفته و خستگی و هراس می‌گذشتند. روزی مثل من به پایتخت باز می‌گشتند، به سفارت خانه‌ها می‌رفتند، حمام می‌کردند، غذایی خوب می‌خوردند و مدتی طولانی می‌خوابیدند.

"مرگ در ایران"

CAPA Distinguished Canadian Professional Photographer

<p>Ontario Zone: Garry Black www.GarryBlack.com Canadian Camera, Summer 2007 Translation: Talat Saberi</p>	<p>گری بلاک (عکاسی از منطقه انتاریو کانادا) مجله عکاسان کانادا-تابستان 1386 ترجمه: طلعت صابری TalatSaberi@Caroun.com</p>
---	---

هم چون بسیاری دیگر از عکاسان حرفه ای، کارم را با عکاسی شروع نکردم. اولین دوربینم را در 27 سالگی، هنگامی که در یک شرکت فولاد کار می‌کردم، خریدم. چهار سال بعد بود که شغلم را رها کردم، تا به رویایم تحقق بخشم: عکاس طبیعت، منظره و سفر شدم! بیست سال پیش بود. از آن زمان با آن رویا زندگی می‌کنم و علاقه ام به عکاسی هدف زندگیم شده است.

آنچه برای آن زندگی می‌کنم، شغلم به حساب نمی‌آورد. بیش از یک روش زندگی است. عکاسی چنان گرايشی به آمیختن با بقیه زندگیم دارد، که نمی‌توانم زمان برای انجام دیگر کارها بیا بیا. شکایت نمی‌کنم. درست برخلاف! عکاسی به من امکان داد تا دور دنیا بگردم. کشتی‌های تفریحی آفریقا، سواحل رها شده پولینزی فرانسه، ساختمان‌های باز سازی شده و آسمان آبی درخشان جزیره یونا نی و یا سفری تابستانی در عرض شمال آمریکا با 4WD را تصور کنید! مثل تعطیلات ایده آل به نظر می‌رسد، این طور نیست! خوب، این شغل من است.

17 سال پیش، در سفری به یکی از جزایر کارائیب، والری، همسر آینده ام، را دیدم. برای تعطیلات آمده بود و من مشغول کار بودم: عکاسی از مدل. آن سفر، زندگیم را تغییر داد.

والری در تجارت و حسابداری تجربه داشت، چیزی که بیشتر هنرمندان کم دارند، از جمله خودم. به صورت یک تیم کار کردیم. او برنامه‌های سفر، تورها و کارگاه‌های عکاسی مرا برنامہ ریزی و سازماندهی می‌کرد. به تمام زوایای شغلم مبتلا شده است، از ابتدای سفر تا ویرایش عکس‌ها، تا به خانه برگردیم. در نتیجه، برای تمرکز بر هنرم آزادم. تصاویرم را قادر می‌سازد تا به سفرهایم ادامه دهم. موفقیت‌هایم مدیون کمک‌های والری است.

کارهایم را توسط Masterfile، آژانس عکس کانادایی، بازاریابی می‌کنم. یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و هنرمندان فروشنده در این ژانر نسیم. جواب بدهید: "آیا می‌توانید زندگی عکاسی منظره و سفر را بیافرینید؟"

آموزش و سازماندهی کارگاه‌های عکاسی و تورهای کاری است که از آغاز عکاسی حرفه‌ای ام شروع کردم. مانند دیگر عکاسان برای تامین معاش دست به این کار زدم. این روزها بیشتر از این کار لذت می‌برم. مردم را به نقاط مورد علاقه خودم دور دنیا می‌برم و کمک می‌کنم تا تصاویری نو و قابل توجه بیافرینند.

چیزهای زیادی در 20 سال گذشته آموخته‌ام. شاید یکی از مهمترین آن‌ها، این باشد که هر چیزی در دنیا احتمالاً توسط دیگری نیز عکاسی شده است. اشکالی ندارد، چرا که دید هر عکاسی اختصاصی و متفاوت با دیگری است. دید خلاقانه و تکنیک شخصی شما آن را از هر آنچه که قبلاً انجام شده است، متفاوت می‌کند.